

سازمان های اداری و تشکیلات دیوان ها در دوره ساسانی

حسین صالحی

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

معصومه قره داغی (نویسنده مسئول)

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

سید حسین رییس سادات

گروه تاریخ، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

احد عبادی

گروه معارف اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۲۰ شماره ۷۶ بهار ۱۴۰۴ صفحه ۶۶-۴۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۶

چکیده

اساس و استخوان بندی همه حکومت ها بر ساختار و سازمان های اداری آن ها استوار است به شکلی که این چهارچوب ها کمک می کند امور گوناگون سر و سامانی بگیرد و بتواند بیشترین بهره وری از امکانات موجود بدست آورد. ساختار اداری ساسانی به واسطه پیشینه تاریخی اش در حکومت های ایلامی، هخامنشی، سلوکی و اشکانی به پختگی لازم رسیده بود و با گذر قرن ها با هرس و ویرایش خود توانسته بود از معایش بکاهد و کاربری خود را بالا ببرد. دیوان های ساسانی با توجه به شرایط زمانی خود کارکرد مناسبی داشتند. تقریباً برای هر امری که ضروری به نظر می رسید دیوان یا سازمان مخصوصی وجود داشت تا به رتق و فتق امور جاری بپردازند. سازمان اداری ساسانیان یکی از نقاط قوت این امپراطوری به شمار می آمد. این ساختار اداری در کنار دیگر عوامل تمدنی، ساسانیان را به عنوان یک نیروی فعال در جهان آن روز حفظ می کرد. این ساختار تا قرن ها بعد مورد استفاده خلفای اسلامی و فرمانروایان حاکم بر ایران قرار می گرفت.

کلید واژه ها: ساسانیان، تشکیلات اداری، دیوان ها، سازمان ها

مقدمه

ساسانیان بیش از ۴۲۰ سال حکومت کردند و به لحاظ فرهنگی و تمدنی توانستند جایگاه ویژه‌ای برای خود بوجود آورند. این جایگاه به دست نمی‌آمد مگر دو اصل اساسی مورد توجه قرار می‌گرفت. نخست عقلانیت در تصمیم‌گیری. در تاریخ نمی‌توان تمدنی دید که بدون عقلانیت رشد کرده باشد و بتواند تاثیرگذار باشد. و دوم سازمان‌های اداری که بتواند این تصمیمات را به بهترین شکل پیاده کند.

اساساً نظام دیوان سالاری تصمیم‌گیری می‌توانست همه ابعاد تصمیم‌گیری و اجرایی یک حکومت را در بر بگیرد. در این ساختار گردآوری مالیات، امنیت، نظارت بر کشور و مدیران ارشد لشکری و کشوری، بهره‌وری از مناسبات پولی-کالایی، روابط سیاسی و نظامی با همسایگان و غیره را تحت یک شهریاری موروئی شکل می‌داد. (ترنر، ۲۸۲: ۱۳۷۸)

این ساختار بر تمامی ارکان جامعه نظم می‌بخشید. نهاد دین در این سیستم کار مشروعیت‌بخشی را انجام می‌داد تا در کنار قوه قهریه بتواند به بهره‌وری و نظم بیشتر کمک کند. (بشیری، ۱۳۷۲: ۳۳۹)

روش اداره این ساختارها مبتنی بر تعاون میکانیکی بود به گونه‌ای که اقشار و گروه‌ها بر اساس نظم‌ی که از بالا اعمال می‌شد، به یکدیگر پیوند می‌خوردند.^۱ اساس ایجاد این نظم سلطه نیم بورکراتیک نیم عقلانی بود که از جانب سنت‌ها پشتیبانی می‌شد و شاه که در راس هرم قدرت قرار داشت، بر اساس سنت‌ها اجازه می‌یافت، حکومت کند. اما این قدرت به او اجازه نمی‌داد تا سنت‌ها را زیر پا گذارد. (پیشین: ۶۰) ۲ هم از این روست که شاهان در بعد از اسلام کاملاً در شکل خودکامه خود ظهور می‌کنند چراکه در دوره بعد از اسلام، سلطنت با جمع شدن قدرت شاه با عصبیت خلافت، سبب شد تا شاه دست خود برای انجام هر کاری باز ببیند و به لحاظ مذهبی آن را توجیه کند. (لمبتون، ۱۳۵۹: ۱۷)

^۱ . دورکیم همکاری اجتماعی را به دو دسته تقسیم می‌کند. نخست همکاری میکانیکی و دوم تعاون ارگانیکی. او معتقد است از اواخر قرن نوزده همکاری ارگانیکی ره به افزایش گذاشته است. (مورودویگن، ۱۳۷۵: ۱۱۸)

^۲ . وبر سلطه را به سه دسته تقسیم می‌کرد. ۱. سلطه سنتی. ۲. سلطه بورکراتیک. ۳. سلطه کاریزمایی. در واقع حکومت ساسانی را می‌توان با سلطه نیم بورکراتیک دانست که وابستگی سلطه سنتی را با بروکراسی نیم عقلانی، مناسبات پولی-کالایی و تفکیک نیم بند قوا در هم آمیخته است.

تشکیلات دیوان و دبیران

تقریباً می توان گفت تمام امور کشور توسط چند اداره انجام می شد که به آن دیوان می گفتند. تعداد دیوان های دوره ساسانی مشخص نیست. این می تواند دو علت مهم داشته باشد. نخست به اصلاحاتی که در دوره قباد و خسرو یکم انجام شد و دیگر به منابع این دوره مرتبط است. (دریایی، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

تورج دریایی در بررسی دیوان در دوره ساسانی استفاده از منابع بعد از اسلام را با احتیاط جایز می داند و چنین می پندارد که سازمان اداری خلفا توسط مورخان برای اواخر دوره ساسانی توصیف شده است. اما این احتیاط چندان نمی تواند درست باشد چرا که در دو قرن اول بعد از اسلام ساختار اداری ساسانی کاملاً توسط مسلمانان کپی برداری شد و هم از این رو دستور برگرداندن دیوان به عربی پیگیری شده و بیشتر دیوانیان و دبیران از ایرانیان بودند. این دو علت به ما اجازه می دهد که با خیالی آسوده و اطمینان بیشتری با قرینه سازی دیوان ساسانیان را بازسازی کنیم.

دیوان گرچه در دوران هخامنشی و اشکانی وجود داشت اما بدون شک در دوره ساسانی بسیار گسترش یافت. در نامه تنسر به یک طبقه جدید برمی خوریم. « عضو سوم کتاب و ایشان نیز بر طبقات و انواع کتاب رسائل - کتاب محاسبات و کتاب افضیه و سجلات و شروط و کتاب سر و اطبا و منجمان داخل طبقات ایشانند. » (تنسر، ۱۳۵۴: ۵۴)

جاحظ در توصیف طبقات اجتماعی اردشیر بابکان سلسله دودمان ساسانی آورده است که پزشکان و کاتبان و منجمان طبقه سوم را تشکیل می دهند که همان گفته های عهد اردشیر را مورد تایید قرار می دهد. (جاحظ، ۱۳۴۳: ۶۷)

اینکه دبیران در طبقه بندی اجتماعی راهی برای خود باز کرده اند از اهمیت و جایگاه آن در یک دولت دیوانسالار حکایت دارد حتا نام آن ها در کنار شاهان ساسانی بر کتیبه ها ثبت و ضبط شده است. در کتیبه شاپور یکم در کعبه زرتشت، در بخشی که دودمان شهریاری ساسانی و بزرگان کشوری و لشکری در روزگار خویش و همچنین اردشیر بابکان اختصاص دارد، نام «ارشتاد» دبیر رسائل که از خاندان مهران از ری است در کنار شاپور یکم آمد است. (back, 1978: 365)

دبیران در ساختار اجتماعی ایران طبقه ی نو برخاسته ای بودند که با تمرکز هرچه بیشتر قدرت، دیوان سالاری را گسترش می دادند. امور محاسبات کشور، تنظیم اسناد، معاهدات سیاسی، فرامین،

جمع آوری درآمد و هزینه ها، نظارت بر اعمال درست قانون، کتابت های شاهی و همه و همه بر عهده دبیران بود. (اکبری، ۱۳۸۲: ۱۶۸)

دبیران تلاش می کردند در همه موارد از جمله نامه ها و اسناد رسمی آراستگی مهم شمرده و سبک و روش خاصی به کار ببرند. در برخی نامه ها خود پادشاهان بندهایی به آن می افزودند. (شوشتری، ۱۳۴۶: ۱۵۴)

با توجه به این دیوان تلاش می شد در انتخاب و برگزیدن افراد برای کار، وسواس و حوصله زیاد خرج داده شود: « پادشاه به روسای نویسندگان خود فرمان می داد ایشان (کاتبان جدید) را آزمایش کنند. » (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲۰) این سختگیری بی مورد نبود چراکه حساسیت کار دبیران به شکلی بود که اردشیر آنها را « آرایه کشور » (دینوری، ۱۹۱۵: ۲۶) خوانده بود: « مرتبه کاتب بالا همه کرده بود و ایشان را بر سایر خدم مفضل می دانست. » (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱۸۴) عروضی در چهار مقاله آورده است « دبیر عاقل و فاضل مهین جمالی است از تجمل پادشاه و بهین رفعتی از ترفه پادشاهی. » (عروضی، ۱۳۷۲: ۴۱)

شاهان ساسانی بخشی از تعالیم فرزندان شان را به یادگیری کار دبیری اختصاص می دادند. در متون پهلوی به فراگیری این کار سفارش شده است که فرزندانان در کودکی به دبیرستان بفرستید. «چه دبیری روشنی چشم است. » (جی، ۱۳۷۱: ۱۰۳) همچنین اردشیر بابکان به روایت شاهنامه هنگامی که به سن فرهنگ آموزی می رسد، دبیری و سوارکاری می آموزد. و یا بهرام گور هنگامی که به پیش منذر شاه حیره است، از موبدان آموزش می بیند:

«یکی تا دبیری بیاموزدش دل از تیرگیها بیفروزدش
و دیگر که چو گان و تیرو کمان همان گردش تیغ با بدگمان»
(فردوسی، ۱۳۸۱: ۵۶۴)

دیوان ها و وظایف آنها

چنین می توان استنباط کرد که نسبت به کارهای اداری کشور و نیازهای آن دیوان های متعددی وجود داشته است. خوارزمی دبیران دولت ساسانی را به ۷ دسته تقسیم کرده است.

«۱_ داد دیبهر. یا دبیر احکام حقوقی و دادگستری

- ۲- شهرآمار دیبهر. یا دبیر درآمد کشور و امور مالیاتی
- ۳- کذک آمار دیبهر. یا دبیر ویژه درآمدهای شاهی
- ۴- کنز آمار دیبهر یا دبیر خزانه
- ۵- آخور آمار دیبهر. یا دبیر اصطبل شاهی
- ۶- آتش آمار دیبهر. یا دبیر امور آتشکده ها
- ۷- روانگان آمار دیبهر. یا دبیر اوقاف و امور خیریه» (خوارزمی، ۱۳۴۲: ۱۰۰)
- دینوری هنگام مرگ یزدگرد نام چند تن دیگر از دبیران را می آورد که برای دور کردن بهرام گور از تخت شاهی گرد آمده بودند. «گودرز دبیر لشکر، جشنساذربیش دبیر خراج، فنا خسرو دبیر صدقات کشور» (دینوری، ۱۳۸۶: ۸۳)
- در فتوح البلدان به نام دبیر دیگری بر می خوریم که مهرداد شاهی بوده است. « صاحب الزمام» (بلاذری، ۱۳۳۷:) این پست در جای خود دارای اهمیت فوق العاده بوده است چرا که بدون مهر هیچ یک از نامه ها هیچ ارزشی نداشته است. خوارزمی هفت خط پارسی را برشمرده است که هر یک از دبیران از آن استفاده می کرده اند:
- ۱- داد دفیره: خطی که احکام دادگستری را با آن می نوشتند. متصدی آن دبیری دادگستری را بر عهده داشت.
- ۲- شهر آمار دبیر: خطی که برای نوشتن حساب ها و درآمدهای کشور مورد استفاده قرار می گرفته و امور مالیاتی را با آن می نوشتند.
- ۳- کذک آمار دبیر: خطی که برای نوشتن حساب های سلطنتی به کار می رفته است و متصدی آن دبیر عایدات دربار سلطنتی به حساب می آمده و مانند مستوفی در دوره بعد از اسلام بوده است.
- ۴- کنز آمار دبیر: دبیرخزانه و نوشتن حساب های خزانه را بر عهده داشته است.
- ۵- آخور آمار دیبهر: یا آخور همار دفیره، خطی بوده است که با آن حساب های اصطبل را می نوشتند.
- ۶- آتش آمار دیبهر: یا آتش همان دفیره با آن حساب و کتاب های آتشکده ها را می نوشتند.
- ۷- روانگان آمار دیبهر: یا روانکان دفیره خطی بوده که برای نوشتن حساب های اوقاف به کار می رفته است. (اکبری، ۱۳۸۲: ۱۷۶)

روشن است که هفت خط برای نوشتن هفت دیوان نمی‌تواند منطقی به نظر آید؛ اما می‌شود استنباط کرد که بی شک این هفت دیوان در کنار دیوان های دیگر به کار رسیدگی و رفق و فتق امور و بویژه دربار شاهی می‌پرداختند.

برخی از منابع به ما نشان می‌دهند که احتمالاً هر یک از همسایگان کشور دارای نماینده‌ای بوده‌اند که دبیران خاص خود را داشته‌اند. (بلعمی، ۱۳۴۱: ۱۰۹۹) مترجم عرب زبان حقوقش را اعراب حیره پرداخت می‌کردند. یکی از اعراب که سمت دبیری در دربار ساسانی داشت لقیط بن یعمر ایادی بود. او در زمان شاپور دوم سمت منشی گری داشت و چون شاپور دوم آهنگ حمله به حیره را داشت، وی نامه ای نوشت و از عربها خواست تابعیت خود را از ایران ابراز دارند. (مرادیان، ۱۳۵۵: ۳۴)

این دبیران دارای جایگاه خاصی و نفوذ فراوانی بودند آن‌ها حتا در عزل و نصب هایی که انجام می‌شد به شاه مشاوره می‌دادند و دخالت می‌کردند چنان که بعد از مرگ منذر شاه حیره، خسرو پرویز به توصیه عدی بن زید، نعمان را به پادشاهی حیره گماشت. (محمدی ملایری، ۱۳۵۶: ۱۰۱) همین دبیرها در اوقاتی که کار دیپلماتیک وجود نداشت، معمولاً به کار ترجمه می‌پرداختند. چنانکه شاپوریکم دستور داده بود که کتاب‌هایی از زبان های یونانی و هندی که در پزشکی و فلسفه و ستاره شناسی نوشته شده بود، ترجمه کنند. (گیریشمن، ۱۳۶۶: ۳۵۲)

مسعودی گزارش می‌دهد که انوشیروان چهار انگشتی داشت که برای دیوان های مهم که باید به تایید شاهی می‌رسید، از آن انگشتها استفاده می‌شد. (مسعودی، ۱۳۴۹: ج ۱، ۲۶۲) خسرو پرویز نه انگشتی داشت که او نیز برای تایید دیوان ها از آن ها استفاده می‌کرد. انگشت ششم اون نقش عقاب داشت که با آن نامه های شاهان را مهر می‌کرد. این ارزش و اهمیت این دیوان را نشان می‌دهد. (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۷۳)

ایران دبیر بد:

ایران دبیر بد مسوولیت نامه نگاری دربار را برعهده داشت. که دیوانی بزرگ و عریض و طویل بود. این دیوان توسط ایران دبیر بد اداره می‌شد. (هوار، ۱۳۶۳: ۱۵۴) از کاتبان انتظار می‌رفت که خوشنویس و طنزنویس و باریک دانش و چابک انگشت و فرزانه سخن باشند. در داستان (خسرو

و ریدک) جوانی که خواهان خدمتگزاری پادشاه بود، ادعا می کرد که همه این ویژگی ها را دارد. (تفضلی، ۱۳۸۵: ۴۸)

عده ای دیگر از دبیران، کاتبان سری بودند که نامه های محرمانه می نوشتند. در منابع بعد از اسلام از این دبیران به عنوان «کاتب السر» یاد شده است. احتمالاً اصطلاح پهلوی این دبیران راز دبیر بوده باشد. هنگامی که خسروی دوم که بندویه را کشت، قصد داشت برادرش بسطام و ستهم به قتل برساند. کاتب راز دبیره به فرمان خسرو نامه ای به بسطام نوشت و او را به مشورت فراخواند. (دینوری، ۱۳۸۶: ۱۰۶) این دیوان در دوره بعد از اسلام نیز در دستگاه خلافت وجود داشت. (خوارزمی، ۱۳۴۲: ۱۱۸) همیشه زیر دست ایران دبیر بد تعداد بسیاری دبیر به کار مشغول بودند. معمولاً همه اسناد و مدارک در این دیوان نگهداری می شد. (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲۹۲)

مکاتبات و وقایع و رویدادهای مهم و حوادث طبیعی و جنگ ها و غیره همه ثبت و جایی مخصوص نگهداری می شد. ایران دبیر بد را دبیر مهشت، مهتر دبیران، وزرگ دبیر و دبیر بد نیز می گفتند. او در سفر و حذر همراه شاه بود. شاه را در شکار و تفریح نیز همراهی می کرد. وزیر نظر او همه جا مورد توجه قرار می داد. مقام او را مانند وزیر بزرگ و موبدان موبد قابل توجه می دانستند و هنگام انتخاب شاهان یکی از نظر دهندگان مهم به شمار می آمد. (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۵۰۲)

به روایت ابن بلخی در دوران ساسانی افراد محدودی اجازه ارتباط با شاه را داشتند که می توانستند بدون اجازه وزیر بزرگ یا پرده دار به حضور شاه برسند. ایران دبیر بد، سرپرست امور مالی کشور و مشاور مخصوص شاه، اندرز بد از این افراد معدود به شمار می آمدند. (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۱۰۵)

این جایگاه هنگامی اهمیتش بیشتر روشن می شود که بدانم در بعضی مواقع هنگامی که شاهنشاه با ملازمین خود قصد خوردن خوراک روزانه داشته است تنها با سه تن همسفره می شده است موبد موبدان، رئیس سواران و رئیس دبیران. (کریستن سن، ۱۳۸۴: ۱۹۸)

دیوان برید

نام دیوان برید به گزارش خوارزمی از کلمه «بریده ذنب» به معنی بریده دم پارسی گرفته شده است. برید بدون قسمت آخرش استفاده می شده است. این واژه در گذر زمان معرب و تخیف یافته است. (خوارزمی، ۱۳۴۲: ۶۵) حمزه اصفهانی تاسیس دیوان برید را کار دارا می داند که با تاسیس آن از سراسر کشور آگاهی می یافت و فرمان های خود را به همه والیان و فرماندهان می

رساند. (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۲۹) اما در تاریخ اساطیری آمده است این کار را لهراسپ پسر گشتاسپ کیانی انجام داده است.

بخشی از کار اصلی این دیوان بیشتر امنیتی بود. اخبار جستجو شده توسط کارمندان این دیوان مستقیم به دست شاه می‌رسید. در واقع این چاپارها چشم و گوش شاه بودند که به عنوان جاسوس شاه را از همه امور آگاه می‌ساختند. (فرای، ۱۳۹۶: ۱۷۸)

کار این دیوان به ویژه در هنگام جنگ بسیار بیشتر و دشوار تر می‌شد. در هنگام جنگ تصمیم‌گیری بسیار حساس و مهم است از این رو اخبار باید به سرعت به شاه و یا فرماندهان بزرگ بی‌درنگ و با کمترین زمان می‌رسید. (خدادادیان، ۱۳۷۸: ۱۲۴) از روزگاران شاپور دوم گزارش شده است که: «او را صاحب اخبار نهانی بودند، مردمانی مردم زاده با دانش و فضل و راستگویی و با هر یک از استظهاری کرده بودی تا احوال مملکت بر او پوشیده نماند.» (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۷۲۰)

نظام الملک نیز درباره این وظیفه دیوان برید روایت می‌کند که: «به همه جا کارآگاهان گذاشته است و همه ستمکاران دستها کوتاه کرده اند و مردم امن و سایه عدل به کسب عمارت مشغول گشته اند ولیکن این کاری نازک است و با غائله.» (نظام الملک، ۱۳۷۷: ۸۵)

کارکرد دوم دیوان برید، گماردن نامه رسانان، مهیا کردن اسب‌ها، کبوتران نامه رسان، نگهداری از راه‌ها و ساختمانهای برید بوده است. برید به کارهای دولتی مرتبط بود و با نامه‌ها، پیام‌ها و مرسولات عامه کاری نداشت. (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۱۰۴) یکی از نتایج مهم دیوان برید که به لحاظ اقتصادی نیز اهمیت فراوانی داشت، مناسب نگهداشتن راه‌ها برای رفت و آمد و همچنین امن نگه داشتن آن برای بازرگانی بود به ویژه راه ابریشم که به لحاظ اقتصادی و استراتژیک اهمیت خاصی داشت.

دیوان دادرسی

از دیرباز ایرانیان به داد و دادگستری اهمیت بسیار می‌دادند و آن را به عنوان یک ارزش همواره اهورایی پاس می‌داشتند. سنگ نوشته و منابع باستانی به ما نشان می‌دهند که شهریاران ایرانی به پراکندن داد و برخورد عادلانه تاکید داشتند. (آخوندی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۸۸) داریوش می‌گوید: «آنکه زیان می‌رساند او را به جای زیان (اش) کیفر می‌دهم. نه مرا میل است که مردی زیان برساند نه مایل است اگر زیان برساند، کیفر نیند.» (صالحی، ۱۳۹۷: ۲۴)

اردشیر بابکان در توصیه و سفارش به اطرافیان و پسرش گفته بود:

« پادشاه باید بسیار دادگر باشد زیرا همه نیکی ها در دادگری فراهم است. » (مسعودی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۳۹) اهمیت داد و داوری چنان بود که خود شاه به عنوان داور و قاضی شناخته می شد. (راوندی، ۱۳۶۹: ۱۷)

جاحظ روایت می کند که « از روش پادشاهان این بود که یک روز در مهرگان و یک روز در نوروز برای دیدار انبوه مردم می نشینند. » (جاحظ، ۱۳۴۳: ۲۰۱) « بایسته می نماید که پادشاه به مظالم نشیند و سخن رعیت را بی واسطه بشنود و داد از بیداد گر بستاند. » (نظام الملک، ۱۳۷۷: ۲۸)

از آنجا که بسیاری از قوانین مدنی کشور وابسته به اوستا و احکام زند بود از این رو در کار داوری موبدان نقش بسزایی داشتند. (تاجبخش، ۱۳۹۳: ۵۵) در کنار مغان کسانی که از دودمان های بزرگ و صاحب نام با فرمان شاه و البته دانستن قانون به کار داوری می پرداختند. (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۲۴۶) اما به طور کلی منصب قضاوت در دست روحانیون زرتشتی بود. (راوندی، ۱۳۸۶: ج ۳، ۶۸۴)

معمولا هر ناحیه ای برای خود تشکیلات دادرسی خاص خود را داشت که زیر نظر یک روحانی که به امور قضایی می پرداخت، اداره می شد. او بر کار همه قضات و نظارت می کرد و اگر شکایتی می شد آن

را مورد بازبینی قرار می داد و کار داورانی که جز روحانیت نبودند نظارت می کرد. (راوندی، ۱۳۶۹: ۱۷)

رئیس کل دادوران، شهر دادور یا دادور دادوران می گفتند. از ماموران حکومتی که در هر نواحی اختیارات قضایی داشتند، یکی «سروشاورزدارینگ» یا مستمع روحانی و دیگر «دستور همداد» بوده است. کسی که قدرت قضایی او مانند دستور بوده است. (کریستن سن، ۱۳۸۴: ۲۱۶)

لشکر نیز داور خاصی وجود داشته است که به اختلافات رسیدگی می کرده است. قاضی مخصوص لشکر را سپاه دادور می نامیدند. (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۹۵) در بخش خانواده نیز دستورات ویژه ای وجود داشت. بخشی از کتاب فقهی «مادیان ای هزار دادستان» درباره امور تملک، ازدواج و حقوق خانوادگی است. (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۳۹)

کریستنسن پس از بررسی وضعیت قضایی ایران ساسانی به این باور رسیده بود که: « بی شک نظم و ترتیب قضا به متتهای کمال خود رسیده بود. غالبا چند قاضی با هم کار می کردند و در بعضی

موارد هیات منصفه ای مرکب از قضات مختلف الدرجة به مطلب رسیدگی می کردند. در قانون برای قضاوت مهلتی برای دعوت شهود منظور شده بود. مدت کلیه جریان دعوی به موجب قاعده معینی محدود بود.» (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۹۵)

قوانین مجازات هایی چون حبس، بریدن بینی، کور کردن، گرداندن در شهر با اسباب و وسایل دزدیده شده و در مواردی مرگ هم وجود داشته است. زندان بیشتر برای افراد خطرناک بود که به «دژ فراموشی»^۴ سپرده می شدند. «ایرانیان از قانون هراس بسیار در دل دارند، قوانینی که مخصوصاً برای کیفر خیانت پیشگان و فراریان جنگ وضع شده، بسیار سخت است.» (کریستن سن، ۱۳۸۴: ۲۲۰)

گاهی که در مجرم بودن متهم تردید می شد به رسم آیین کهن را می آزمودند. سوگند خوردن به وسیله شاخه هوم بود که آن را «برسموگوریه» می گفتند و دیگر به وسیله آتش که «گرموگوریه» می نامیدند. (هوار، ۱۳۶۳: ۸-۱۵۷)

دیوان امور مالی

امور مالی مهم ترین بخش یک حکومت می باشد. جریان مالی مانند خون در شریان های یک جامعه به حرکت در می آید، در قلب تمرکز می یابد و دوباره در سراسر جامعه پخش می شود. بی شک یکی از مهمترین ابداعات بشر پول بوده است تا بتواند مناسبات اقتصادی خود را سازمان دهد و نیازهای خود را بر اساس توان مالی خود برطرف کند.

اقتصاد ساسانیان اساساً با دو مجموعه عوامل شکل گرفته بود. عناصر طبیعی و نیروی انسانی. دغدغه پادشاهان ساسانی ترقی و رونق بیشتر اقتصادی در مناطق داخلی کشور و به ویژه شهرهای شاهی به وسیله ایجاد کار و حفظ امنیت بود. (کیان راد، ۱۳۸۵: ۱۳۹) منابع نوشتاری و باستان شناسی تاکید می کند که گسترش اقتصاد وابسته به زمین در دوره ساسانی به اوج خود رسیده باشد به ویژه هرچه به اواخر دوره ساسانی نزدیک تر می شویم دست اندازی به زمین توسط افراد کمتر و حاکمیت مرکزی تقویت می شد. (Adams, 1981: 205) در این میان دیوان خراج نقش مهم و موثری در درآمد دولت ساسانی داشته است.

^۴ . فراموشی در نزدیکی کندی شاپور در سوزی یانا را از آن جهت با این نام می خواندند که بر زبان راندن نام زندانیان آن در نزد پادشاه ممنوع بود.

دیوان خراج

دیوان خراج را می توان دیوان وصول مالیات ها توصیف کرد مالیات ها عمدتاً به شکل نقدی و جنسی دریافت می شد. در فارسنامه در کنار دیوان خراج از دیوانی به نام نفقات نام برده شده است « او (گشتاسپ) دو دیوان نهاد.. یکی دیوان خراج و دیگر دیوان نفقات هرچه دخل بود به دیوان خراج اثبات و ضبط کردند و هرچه خرج بودی و مواهب لشکرها و حواشی و دیگر خراجات به دیوان نفقات رجوع بود.» (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۵۷) نظام الملک نیز از دیوان دریافت و پرداخت نام می برد. (نظام الملک، ۱۳۷۷: ۳۲۲)

مسوول دیوان وظیفه داشت در یک بازه زمانی مشخص مقدار مخارج خود را آماده کند و کل درآمدها و خرج کردها را طی لیستی جدا ارایه نماید. مانده خزانه نیز طی پوست های به هم پیوسته نوشته می شد و به محضر شاه می رسید. (بلاذری، ۱۳۶۴: ۲۱۷)

اردشیر بابکان در باب اهمیت مالیات و خراج باور داشت: « خراج ستون کشور است و از داد افزایش گیرد و از ستم کاهش.» (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۳۳) همچنین شاپور بر این باور بود که: « بدان استواری شهریاری به فزونی خراج است. فزونی خراج به فزونی آبادانی و رسیدن به چنین آرمانی نیازمند بهتر کردن حال کشاورزان است از راه دادگری و یاری دادن به ایشان زیرا هر چیز انگیزه چیز دیگری است.» (پیشین: ۳۲)

با روی کار آمدن خسرو انوشیروان و اصلاحات و تغییراتی در دیوان خراج و به ویژه در گرفتن خراج، وزن ها و مقدار آن به وجود آمد. اصلاحات او سبب شد تا هم در آمد دولت افزایش یابد و هم به مردم اجحاف نشود. همچنین بسیار تاکید کرده بود نسبت به مالیات ها بسیار دقیق و حساس باشند و کارگزاران دولتی بیش از آنچه تعیین شده از مردم نستانند در فرمان او تاکید شده بود که از افراد مسن و همه کسانی زیر بیست سال دارند، مالیات گرفته نشود. (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۸۱)

آمارگر

آمارگران ماموران مرتبط با مردم بودند کسانی که کف خیابان ها، زمین های کشاورزی و روستاها وظیفه تحصیلداری امور مالی داشتند و ماموران وصول مالیات به شمار می آمدند. (نفیسی، ۱۳۸۸: ۲۸۲) این ماموران در ایالت ها، منطقه ها، شهرها و روستاها هر کدام جایگاه مشخص داشتند و به درآمدهای اشخاص و میزان مالیات آن ها حسابرسی و رسیدگی می کردند. (ویسهوفر، ۱۳۶۸: ۱۵۶)

روانگان دبیر

دو واژه پهلوی «هوداگ» و «هودهگ» به معنی دهش نیک را وقف ترجمه کرده اند. (فرخزادان، ۸۵: ۱۳۸۴) آیین وقت از گذشته های دور در ایران باستان رواج داشته است. خسرو دوم نذر کرده بود چنانچه بر بهرام پیروز شود پیرایه های زرین و هدیه های نقدی به آتشکده آذرگشنسپ بفرستد. او درقریه ای از روستاهای کرمان آتشگاهی بنا کرد و کلیه دهات آن را وقف آتشگاه نمود. (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۵۸) بلعمی درباره موقوفات مهر نرسی آورده است: «چهار دیه بنا کرد و بهر دیهی آتش خانه بنا کرد. بهر دیهی چهارباغ بنا کرد بزرگ، به هر باغی هزارین سرو بنشاند و هزارین درخت زیتون و هزارین درخت خرما و هر باغی به آتش خانه وقف کرد و آنجا عبادت همی کرد.» (بلعمی، ۱۳۴۱: ۹۵)

حجم بزرگی از هدایا و املاک وقفی سبب می شود تا در تشکیلات اداری این همه ثبت و ضبط شود و مورد رسیدگی قرار گیرد. خوارزمی و دینوری نهاد « برای روان»^۵ که روانگان دبیر بود را «کتابه الاوقاف» و «صاحب صدقات المملکه» آورده اند. (دینوری، ۱۳۶۸: ۵۵)

دیوان لشکر

در هر کشور دو تشکیلات بیشترین بودجه را می گیرد اما کمترین درآمد را برای هر حکومتی دارد. نخست آموزش و پرورش و دوم ارتش. این دو تشکیلات را هیچ حکومتی نمی تواند حذف کند و به اجبار برای تقویت آن ها همیشه بیش از سازمان های دیگر هزینه می کنند چرا که بقا و پیشرفت خود را در این دو سازمان جستجو می کنند. حمزه اصفهانی نخستین بنیانگذار دیوان لشکر لهراسپ می داند که: « به مرزبانان تختها بداد و آنان را به بار و بندها بیاراست و سراپرده ها گرفت.» (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۳۶)

دبیرانی که به عنوان دبیر لشکری برگزیده می شدند وظایف مخصوص خود را داشتند: ۱- بازرسی ارتش هر چند ماه یکبار. ۲- فراهم کردن تجهیزات. ۳- سرپرستی بر بازرسان نظامی که وظیفه آموزش هنرهای رزمی، جیره بندی آذوقه و نظارت بر پرداخت مستمری خانواده های نظامیان که در جنگ شهید شده بودند، داشتند. همچنین دفتر هایی وجود داشت که مقادیر سلاح و خوراک

^۵ . با توجه به باور ایرانیان به جاودانگی روان پس از مرگ برای وقف اصطلاح «برای روان» یا «در راه روان» (روان رای یا پد روان) را به کار می برد.

و شترها و اسب ها و قاتلان و ارابه ها و فیلان در آنها نوشته می شد. (تفضلی، ۱۳۸۵: ۴۹) خسرو انوشیروان یکی از دبیران بنام بابک را به دیوان لشگر گماشت او به خسرو شرط کرد: « کار من راست نشود جز آنکه مانع از پیش هر کار که مصلحت ملک باشد، برخیزد. » (طبری، ۱۳۵۲: ج ۲، ۷۴۲) یک قسمت مهم کار دبیران جمع آوری تجربیات جنگی و تالیف کتاب در زمینه های تخصصی خود بوده است. در الفهرست یکسری کتاب هایی نام برده می شود که توسط مترجمانی مانند ابن مقفع به عربی ترجمه شده است. (ایناستراتتکسیف، ۳۴: ۱۳۸۴)

دیوان دین

این دیوان یکی از عریض و طویل ترین دیوان های دوره ساسانی است. دستگاه روحانیت زرتشتی، تعداد افراد، سلسله مراتب ها، وسعت جغرافیایی ایران شهر و آتشکده هایی که هر کدام در کجای کشور دارای متولیان خاص خود و حجم عظیم دارایی هایی از جانداران، اشیاء، طلا و نقره، زمین و غیره به عنوان نذر و نیاز و هدیه و فدیة به آتشکده ها داده می شد، دیوان بزرگی را می طلبد تا همه آنچه که گفته شد در آن ثبت و ضبط شود.

دیوان دین تنها دیوانی بود که تقریباً مستقل عمل می کرد و زیر نظر موبد موبدان اداره می شد. چنین به نظر می آید که آن ها نسبت به دیوان خراج استقلال داشتند و حساب و کتاب و دخل و خرج های خود را جدا محاسبه می کردند. جدای از استقلال مالی آن ها حتا خط و کتاب مخصوص خود را داشتند. خط دین دبیره (دین دفیره) خطی بود که اوستا را با آن می نوشتند و خط مخصوص نامه ها و مکاتبات دینی بود. (ابن ندیم، ۲۲: ۱۳۴۶)

موبد موبدان که به پهلوی آن را «مگوپت مگوپتان» می گفتند. (مشکور، ۱۳۶۳: ۲۴۲) ریاست کلیه امور دینی با او بود و حتا به عنوان قاضی القضاة برگزیده می شد، عنوان و جایگاهی که قدرت و نفوذ بسیاری داشت. (پرخیده، ۱۳۶۵: ۵۰۳) از طرف دیگر یکی از کارکردهای مهم دیوان دین نسخه برداری از کتاب های دینی بود. یک جمعیت همیشه در حال نوشتن بودند تا کتاب های دینی بیشتری تولید کنند.

دبیران درباری

کنز آمار دبیر: کنز آمار دبیر یا کذک آمار دبیر، مسوولیت رسیدگی به آمار درباری شاهی داشته است. (تفضلی، ۱۳۸۵: ۵۱) کذک در فارسی امروزه کده خوانده می شود. عایدات و درآمدها شاهی را

جمع‌آوری و محاسبه می‌کرده است. خود شاهان دارای منابع مالی مشخصی بودند که قطعا افرادی برای رسیدگی و نظارت و آمارگیری آن منصوب می‌شده است.

آتش آمار دبیر

یکی از مناسب دیوانی در دربار بود که به جمع‌آوری همه اطلاعات و آگاهی‌های مربوط به امور آتشکده‌ها و متولیان آن و دیگر مسایل مربوط به امور دینی و آتشکده‌ها می‌پرداخت و این آگاهی‌ها را به سمع و نظر شاه می‌رساند. چنانچه گفته شد آتش آمار دبیر از خط دین دبیره برای ثبت آگاهی‌های خود استفاده می‌کرده است. (نفیسی، ۱۳۳۱: ۴۸) مسوول این دیوان به طور مستقیم باید توسط شاه یا وزیر بزرگ برگزیده می‌شده است. چنین می‌توان استنباط کرد که تنها نهاد نظارتی بر کار دیوان دین و موبدان زرتشتی همین دیوان بوده باشد.

گنج آمار دبیر:

دستورات مادی شاه توسط دبیر مخصوصی به خزانه نوشته می‌شد گنج آمار دبیر مسوول خزانه داری شاه بود و حساب‌ها، پرداخت‌ها و ورودی‌ها به خزانه جدای از دبیران امور مالی دیگر، ثبت و ضبط می‌کرد. خزانه‌دار همیشه یک صورت از همه اشیا و مبالغ موجود در خزانه به شاه ارایه می‌داد تا شاه در جریان ورود و خروج از گنج خانه قرار گیرد. (پیشین: ۵۱)

آخور آمار دبیر

این سمت درباره مربوط به همه چهارپایان از جمله اسب، گوسفند، قاطر، شتر، فیل و حیوانات اهلی بوده است. آخور آمار دبیر، آمار همه چهارپایان را به شاه ارایه می‌داده است. او مسوول رتق و فتق رسیدگی به حیوانات بوده و خوراک و لوازم جانبی مرتبط را می‌بایست فراهم می‌کرده است. اسبان مخصوص شاه جایگاه ویژه‌ای داشتند که رسیدگی به آن‌ها در اولویت قرار می‌گرفته است. (شهبازی، ۱۳۷۵: ۳۷)

دیوان در بد (درگاه)

یکی از دیوان‌هایی که حساسیت ویژه‌ای داشت و کارگزاران آن کار سختی را برعهده داشتند، دیوان درگاه بود. این دیوان مسوولیت امور درباره را برعهده داشت و تلاش می‌کرد آیین شرفیابی به دربار شاهان با حفظ همه سنت‌ها به شکل کامل اجرا شود. کسانی که می‌خواستند به درگاه شاهان راه یابند و دیدار با شاه داشته باشند در دفتری که سالار بار داشت، نامش نوشته می‌شد و

کار خود را توضیح می داد. آنگاه برای او زمانی مشخص می شد تا در آن زمان مشخص به دیدار شاه شرفیاب شود

ابن بلخی گزارش می دهد: « دبیری معروف مرتبت بودی در درگاه، مرتبت های مردم نگاه داشتی... . این آیین گشتاسب نهاد... » (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۵۸)

دیوان مهر

یکی از حساس ترین قسمت های درباره دیوان مهر سلطنتی بود. این افراد حتما از خواص شاه و مورد اعتماد ترین افراد برگزیده می شدند. دارندگان مهر آنچه که مورد تایید شاه بود مهر می کردند.

برای سپردن هر چیزی آن را مهر می کردند و به خزانه می سپردند. (طبری، ۱۳۵۲: ج ۲، ۵۸۷)

فردوسی در علامت های شاهی مهر را یکی از مهم ترین ابزارهای شاهی می داند :

«بـدو داد کو را سزا بود تاج همان کریمی و مهر و آن تخت عاج» (فردوسی، ۱۳۸۱: ۲۶)

بلاذری توضیح می دهد که مهره داران و دبیران آن چگونه انجام وظیفه می کردند: « پادشاه فارس چون فرمانی می نوشت توقیع دار^۶ در برابر وی بر آن نامه نشان شاه می نهاد. او را خدمتگزاری نیز بود که ذکر آن فرمان را در دفتری که هر ماه گرد می آمد، ثبت می کرد. (بلاذری، ۱۳۶۴: ۲۱۶) شهریاران ساسانی برای هر کاری مهر مخصوص داشتند که برای همان امور به کار می رفت. (پیشین، ۲۱۷)

نتیجه گیری

تشکیلات اداری ساسانی و دیوان های آن ها با توجه به شرایطی زمانی آن ها به تکامل خود رسیده بود و در مقایسه با همسایگان خود پیشرفته به حساب می آمد. مسلمانان وارث سیستم اداری ساسانی تا قرن ها آن را بکار می بردند. نظام الملک خود یکی از کارگزارانی بود که با همان دیوان های ساسانی امپراتوری بزرگ سلجوقی را اداره می کرد.

^۶ . مهر دار

تقریباً همه آنچه ساسانیان به عنوان دیوان داشته یا ابداع کرده بودند تا عصر حاضر در تشکیلات حکومتی دیده می شود. ضرورت دنیای مدرن قطعاً اصلاحاتی در آن بوجود آورده است و آن را بواسطه پیچیده تر شدن روابط انسانی و حکومتی به روز تر کرده است.

چنین می توان ادعا کرد که یکی از رموز موفقیت ساسانیان و ۴۲۰ سال حکومت و مقابله با دشمن نیرومندی مانند بیزانس تشکیلات و سازمان اداری آن ها بوده است که به عنوان یک ابزار موثر می توانسته در دست تصمیم گیران ارشد ساسانی مورد استفاده قرار گیرد

منابع و مآخذ

۱. بلعمی، ابوعلی محمد (۱۳۴۱) تاریخنامه طبری. تصحیح ملک الشعرای بهار. تهران. وزارت فرهنگ.
۲. ابن بلخی (۱۳۶۳) فارس نامه. به اهتمام کای لستربخ و رینولد آلن نیکسون. تهران. دنیای کتاب.
۳. ابن ندیم. محمد بن اسحاق. (۱۳۴۶) الفهرست. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: دنیای کتاب.
۴. اصفهانی، حمزه (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان. ترجمه جعفر شعار. تهران. بنیاد فرهنگ ایران.
۵. اکبری امیر. (۱۳۸۲) تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانی. بجنورد. دانشگاه آزاد.
۶. امام شوشتری. محمدعلی. (۱۳۴۸) ایران گهواره دانش و هنر. تهران. وزارت فرهنگ و هنر.
۷. امام شوشتری، محمدعلی (۱۳۵۰) تاریخ شهریاری در شاهنشاهی ایران. تهران: وزارت فرهنگ.
۸. آخوندی، محمود (۱۳۷۶) آیین دادرسی کیفری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۹. بارتلمه، کریستیان. (۱۳۳۷) زن در حقوق ساسانی. ترجمه ناصرالدین صاحب زمانی. تهران: عطایی

۱۰. بزرگمهر-مارکوس (۱۳۷۲). پندنامه مارکوس قیصریه روم و بزرگمهر حکیم. ترجمه ابوطالب تبریزی. تهران. دنیای کتاب
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴) فتوح البلدان. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران: صدا و سیما.
۱۲. پرخیده، بوزجمهر (۱۳۶۵). نخستین موبدان موبد. چیستا. سال سوم. فروردین.
۱۳. پروکوپئوس (۱۳۸۲) جنگ های ایران و روم. ترجمه محمد سعیدی. تهران. علمی و فرهنگی
۱۴. پیرنیا، حسن (۱۳۷۰) ایران باستان. تهران: دنیای کتاب.
۱۵. پیگو لوسکایا، ن. و (۱۳۶۷). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه عنایت الله. رضا. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۶. تاجبخش، احمد (۱۳۹۳) تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام. تهران: یادواره کتاب
۱۷. تحقیقاتی درباره ایناسترانتکسیف، کانستانتین (۱۳۸۴). ساسانیان. ترجمه کاظم کاظم زاده. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۸. تفضلی، احمد (۱۳۸۵) جامعه ساسانی. ترجمه شیرین مختاریان. مهدی باقی. تهران: نی.
۱۹. تنسر (۱۳۵۴). نامه تنسر به گشنسب. به تصحیح مجتبی مینوی تهران: خوارزمی.
۲۰. جاحظ، ابو عثمان (۱۳۴۳) تاج. ترجمه محمد علی خلیلی. تهران: کتابخانه ابن سینا.
۲۱. جهنشیاری، (۱۳۴۸) کتاب الوزرا و الکتاب. ترجمه ابوالفضل طباطبایی. تهران. چاپ تابان.
۲۲. جی، جاماسب (۱۳۷۱) متون پهلوی. ترجمه سعید عریان. تهران: کتابخانه ملی.
۲۳. خدادادیان اردشیر، (۱۳۷۸) هخامنشیان. تهران: بهدید.
۲۴. دریای. تورج. (۱۳۸۶) شاهنشاهی. ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس.
۲۵. دینوری، ابو حنیفه (۱۳۵۶) اخبار الطوال. ترجمه محمد مهدوی دامغانی. تهران: نی
۲۶. راوندی، مرتضی (۱۳۸۶) تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نگاه.
۲۷. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳) تاریخ مردم ایران. تهران: امیر کبیر.
۲۸. سامی، علی (۱۳۴۲) تمدن ساسانی. شیراز: موسوی.
۲۹. صالحی، کوروش (۱۳۹۷). چنین گفت داریوش. مشهد: ایران آزاد.
۳۰. طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲) الرسل و الملوك. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۱. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵) الرسل و الملوك. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
۳۲. عروضی سمرقندی (۱۳۷۲) چهار مقاله به اهتمام علامه قزوینی. تهران: دیباجی.
۳۳. فرای، ریچاردک. (۱۳۹۶). تاریخ باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران. علمی و فرهنگی.
۳۴. فرخزادان، فریدون؛ امیران، آذرباد (۱۳۸۴) دینکرد سوم. ترجمه فریدون فضیلت. تهران: مهر آیین.
۳۵. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۱) شاهنامه. تصحیح ژول مل. تهران: بهزاد.
۳۶. کریستن سن، آرتور (۱۳۸۴) ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: صدای معاصر.
۳۷. کریستن سن، آرتور (۱۳۸۶) وضع ملت، دولت و دربار در دوره ساسانیان. ترجمه مجتبی مینوی. تهران اساطیر.
۳۸. کریستن سن، آرتور (۱۳۸۷) ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: نگاه
۳۹. کیان راد، حسین (۱۳۸۵) جامعه و اقتصاد عصر ساسانی. تهران. سخن.

۴۰. گریشمن، رومن (۱۳۷۹) تاریخ ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: جام.
۴۱. محمدی ملایری. محمد (۱۳۹۶) فرهنگ ایرانی پیش از اسلام. تهران: توس.
۴۲. مرادیان، خدامراد (۱۳۵۵) کشور حیره از قلمرو شاهنشاهی ساسانیان. تهران: بنیاد نیکوکاری.
۴۳. مسعودی ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۸) مروج الذهب. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی. جلد ۱.
۴۴. مسکویه رازی. ابوعلی (۱۳۶۹) تجارب الامم. ترجمه ابوالقاسم امامی. تهران: سروش.
۴۵. مشکور، محمد جواد (۱۳۶۳) کارنامه اردشیر بابکان. تهران: دنیای کتاب.
۴۶. مشکور، محمد جواد (۱۳۲۵) گفتاری درباره دینکرد، تهران: بی نا.
۴۷. نظام الملک. (۱۳۷۷). سیاستنامه. به کوشش دکتر جعفر شعار. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۴۸. نفسی، سعید (۱۳۸۸) تمدن ایران ساسانی. تهران: پارسه.
۴۹. نولدکه، تئودور (۱۳۷۸) تاریخ ایرانیان و عرب ها در زمان ساسانیان. ترجمه عباس زریاب خویی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۵۰. ویسهوفر، یوزف. (۱۳۶۸). ایران باستان. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس.
۵۱. هوار. کلمان. (۱۳۶۳) ایران و تمدن ایرانی. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
۵۲. سلیمانخانی محمد. (بی تا) وزارت در عهد ساسانیان. فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ. سال چهارم. شماره ۱۵.
۵۳. شهبازی، شاپور (۱۳۷۵) اسب و سوارکاری در ایران باستان. مجله باستان شناسی. شماره اول و دوم سال ۱۱ شوشتری. محمدعلی (۱۳۴۶) از فرهنگ ایران در روزگار ساسانی. مجله بررسیهای تاریخی. شماره بیست. سال دوم.
۵۴. عربی
۵۵. خوارزمی، محمد بن احمد (۱۳۴۲ ق) مفاتیح العلوم. قاهره.
۵۶. دنیوری ابن قتیبه. (۱۹۱۵) عیون الاخبار. بیست. دارالفکر.
۵۷. لاتین